

محیط زیست در ایران	جمع قدم اول یک گرایش کارگری - کمونیستی است	تاریخ احزاب سیاسی در ایران (قسمت دوم)	در جنبش جهانی کمونیستی	موقعیت سیاسی ایران در خاورمیانه	جنگ فرهنگی سازمان جاسوسی "سیا" رژیم های ناخواسته را در سراسر جهان سرنگون می کند
صفحه ۶	صفحه ۷	صفحه ۸	صفحه ۱۴	صفحه ۱۴	صفحه ۱۴

جنبش کارگری و دستمزدها

اخیر از طریق ۷ تشکل (سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان استان البرز، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری وانجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه) و ۵ گروه کارگری در داخل کشور اطلاعیه های جداگانه ای بر سر مسئله دستمزدها صادر شده است. در پی آن سندیکای کارگران شرکت واحد نیز از سقف دستمزدهای حداقل حمایت کرده و اطلاعیه ای صادر کردند. در خارج کشور نیز اکثر تشکل های چپ و کمونیست و کارگری از این اطلاعیه ها به انحاء مختلف حمایت کرده اند. اینکه موضوع دستمزدها و افزایش سقف حداقل آن مورد تفاوت های نظری باشد، اصل مسئله که حمایت از مبارزات کارگران برای

افزایش دستمزدها و گرفتن بخش کوچکی از دسترنج خود از سرمایه و دولت نماینده سرمایه می باشد را، نمی تواند ببوشاند. بعد از بحران اقتصادی و کاهش شدید دستمزد کارگران و اعتراضات گسترده آنها در سال های اخیر، بالاخره دولت با توجه به نارضایتی کارگران اما توانست کمیسیون سه جانبه ای از نماینده گان کارفرما و دولت و کارگران (منتخب شورای عالی کار) را بوجود بیاورد. و در واقع احیا کند (توضیح: شورای عالی کار با همین ترکیب سه گانه از زمان شاه هم در وزارت کار وجود داشته، که بخشی از وظایف آن تعیین حداقل دستمزد است که توسط کمیسیونی به همین نام و با همین ترکیب سه گانه و طبق اصل با سیاست "سه جانبه گرایی" دیکته شده توسط سازمان جهانی کار اعمال می شود. کمیسیون تعیین حداقل بقیه در صفحه دوم

جشن نوروز، جشن پایداری خجسته باد

عید نوروز و بهار سال تازه شمسی فرا می رسد. و بهار بار دیگر چهره ای از طبیعت زنده، شاداب و مملو از سرسبزی و طراوت را به نمایش می گذارد. چنین تحولی در طبیعت، انسان ها را به تحرک و پویایی های نوینی تشویق می کند. احساس شادی از این تحول در همه انسانها باعث آفرینش جشنی به نام نوروز برای ما در منطقه فلات جنوب غربی شده است، جشنی که یکی از سمبل های حضور ماندگار بسیاری از ملت های منطقه در تاریخ تا به امروز است. در روزگار ما نوروز فرا می رسد با امید مادران و پدران و همسران و فرزندان برای رهایی بستگانشان از زندان، در امید نان آوران خانواده برای تامین معیشت آنها، در شادی کودکان بخاطر تعطیلات عید و دید و بازدیدها بقیه در صفحه سوم

نتایج انتخابات فرمایشی و روند اوضاع سیاسی در ایران

انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری در ۷ اسفند برگزار شد. بر طبق اعلام وزارت کشور لیست رفسنجانی که از طرف جناح اصولگرایان لیست انگلیسی نامیده شده بود برنده انتخابات شد و لیست اصول گرایان دچار شکست شدند. این شکست شامل دیگر نیروهای جناح اصولگرایان از جمله احمدی نژاد و غیره هم شد. دلیل این شکست چیست؟ با اینکه در برخی حوزه های انتخاباتی کار به دور دوم کشیده شد ولی بطور تقریبی تعداد نمایندگان اصلاح طلب و اصولگرا برابر هستند. در دو دوره ای که اصول گرایان در مجلس شورای اسلامی اکثریت و نهاد ریاست جمهوری را در دست داشتند، سیاست هائی

اتخاذ کردند که در زمینه داخلی ویران کننده اقتصاد بیمار ایران بود و در سیاست خارجی، رو در روئی با دولت های مختلف را در پیش گرفتند و تنش های سیاسی بین خود و کشورهای منطقه را دامن زدند. تاثیر این سیاست ها بر روی زندگی معیشتی و اجتماعی مردم فلاکت بار بود. ایزوله شدن جناح های اصولگرا شرایطی را برای جناح های اصلاح طلب حکومتی بوجود آورد تا بعد از اعتراضات توده ای به انتخابات ریاست جمهوری دوران احمدی نژاد در سال ۸۸ و سرکوبشان توسط اصولگرایان و دولت حامی شان در یک خلاء سیاسی درون حکومتی به صحنه اقتدار دولتی بازگردند. روشن است که بقیه در صفحه سوم

پیرامون اوضاع کنونی ایران: عروج مبارزات کارگری و وظیفه مارکسیست ها

یک نیم نگاه اجمالی به تاریخ اقتصاد سیاسی ایران نشان میدهد که کشور ایران با وجود آنکه پیشینه پیدایش نطفه های بورژوازی تجاری و ظهور اولین قشرهای کارگری و صنعتگران شهری به دوران اوجگیری قدر قدرتی متمرکز و منسجم عهد صفویه در اواسط قرن شانزدهم میلادی میرسد، فقط در هفتاد سال گذشته به تدریج در جاده گسترش جدی مناسبات سرمایه داری افتاده و به ویژه بعد از دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی به یک کشور سرمایه داری در بخش پیرامونی نظام جهانی سرمایه تبدیل بقیه در صفحه چهارم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

جنبش کارگری و دستمزدها

بقیه از صفحه اول

دستمزد، که اسما سه جانبه است، ولی از آنجا که دولت خود بزرگترین کارفرماست و "نمایندگان" کارگران نیز دستچین و وابسته و مزدوران سرمایه هستند (اعضای خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار، شورای سراسری نمایندگان اصناف حزب اسلامی کار و ...) عملاً و تماماً در خدمت سرمایه و کارفرمایان است) این کمیسیون در واقع می خواهد اعتراضات کارگری را به نحوی کانالیزه کند که خطر از دست رفتن کنترل آنها از بین رفته و یا کاهش یابد. کمیسیون سه جانبه در چند سال گذشته، ماههای آخر هر سال مذاکراتی را بر سر تدوین حداقل دستمزدهای کارگری برای سال آینده انجام میدهد، که ظاهراً بر اساس نرخ تورم و سبد معیشتی سالانه محاسبه می شود. بر طبق روال سال های گذشته نمایندگان کار فرما با درخواست افزایش حداقل دستمزدها از طرف "نمایندگان کارگران" و بر طبق پیشنهادات قبلاً ارائه شده و در این جلسات، (در حقیقت "چانه زنی" می کنند) همیشه مخالفت کرده و نماینده دولت به ظاهر میانجی است بین نماینده کارفرما و کارگران که در نهایت به نفع کارفرما و نمایندگان شان تصمیم نهائی را اعلام می کند. این روند تا زمانی که تحریم ها برقرار بود و دولت و کارفرما به بهانه تحریم ها از افزایش واقعی دستمزدها جلوگیری می کردند، ادامه داشت.

اما امسال مسئله کاملاً فرق می کند، دولت طی این مدت میلیاردها از پول های بلوکه خود را دریافت کرده و رابطه های اقتصادی با دولت ها و شرکت های خارجی از تنش های قبل خارج شده و ارتباطات از سر گرفته شده است. دولت امسال نرخ تورم را طبق معمول گذشته پائین تر اعلام کرده است ولی گرانی بیش از حد اجناس اولیه یایه گوئی های رژیم را کاملاً برملا کرده و مردم دیگر اعتمادی به دولت های جمهوری اسلامی اعم از اصلاح طلب و اصولگرا ندارند. اما آنچه که روشن است دولت این توان اقتصادی و سیاسی را دارد که افزایش دستمزدهای کارگری را بر اساس حداقل زندگی انسانی را تامین کند. همانطور که ما در رنجبر شماره ۱۲۹ نوشتیم، حداقل بودجه برای زندگی یک خانواده ۴ نفری آنها نه در کلان شهرهای ایران بین ۳ تا ۳,۵ میلیون تومان است. این رقم زمانی معنا پیدا می کند که اخراج ها متوقف و کار ثابت برای کارگر تامین شده باشد و خانواده های

کارگری از بیمه های واقعی اجتماعی بهره ببرند. به هر حال رقم ۳,۵ میلیون تومان هم بطور واقعی نمی تواند رفاه نسبی انسانی را در یک خانواده ۴ نفره کارگری بوجود بیاورد ولی این حداقل درخواست تشکل های کارگری داخل مورد حمایت حزب رنجبران می باشد و ما قاطعانه از آن دفاع می کنیم. در عین حال معتقدیم که حتی با کسب این درخواست نبایستی هیچ توهمی نسبت به رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی بوجود بیاید، به دلیل آنکه حتی کسب در آمد ۳,۵ میلیون تومانی در ماه هنوز بخش کوچکی از ارزش اضافی است که کارفرما از قبل کار و دسترنج کارگران حاصل کرده است. در طی سال های گذشته برخی تشکل های کارگری با صدور اطلاعیه هایی تلاش خود را برای افزایش واقعی حداقل دستمزدهای کارگری جلو می بردند. ولی امسال وضع دولت و کارفرمایان به لحاظ اقتصادی بهتر است ولی این بهتر شدن به مفهوم ایجاد سطح زندگی برای کارگران و زحمتکشان نبوده و سرمایه داری این بهبود اقتصادی را بر اساس سود بنگاههای اقتصادی خود بیان می کند. سودی که بر استثمار بیشتر کارگران و ارزش اضافی ناشی از آن حاصل می شود. در عین حال در جبهه کار و زحمت، اتحاد محکمتری در بین تشکل های کارگری داخل بوجود آمده است و اطلاعیه های ذکر شده، از اتحادی که در حال تحکیم است حکایت دارد. اما این هنوز قدم های اول برای یک مبارزه واقعی باخطر افزایش شرایط اقتصادی (معیشتی) کارگران است. باید به این اتحادها خوش آمد گفت و امیدوار بود که این اطلاعیه های جداگانه بتوانند در اتحاد تشکیلاتی و نظرگاهی به اشتراکات عملی برسند. در خارج از کشور هم اتحاد بین المللی در دفاع از کارگران و نهادهای همبستگی در نشست هایی که با هم داشتند بر سر فعالیت های خارج از کشور در دفاع از جنبش کارگری ایران اطلاعیه های مشترکی را صادر کردند. تعدادی از رفقای جنبش کارگری کمونیستی در نزدیکی هائی "قدم اول" را بوجود آورده و مباحث را حول وحدت جنبش کارگری کمونیستی در جهت کمک به ایجاد حزب طبقه کارگر سازماندهی کرده اند. اتحاد عمل های گوناگون چه در خارج از کشور و چه در داخل کشور می تواند پیش درآمدی باشد بر وحدت های بیشتری در دفاع از کارگران و جنبش کارگری در صورتیکه هیچ تشکلی خود را رهبر و یا صاحب پروژه به حساب نیاورد، مسئله مرکزی منافع طبقه کارگر و

جنبش کارگری و حل مشکلات پیش روی آن باشد و مبارزه بر سر اختلافات به شیوه درست و رفیقانه در خدمت رسیدن به وحدت های بزرگتر انجام بگیرد.

همانطور که روند چندین ساله برخورد این رژیم ضد کارگر به کارگران نشان داده است، امسال هم شورای عالی کار با ۱۴ درصد افزایش دستمزد، مبلغ ۸۱۲ هزار تومان را به عنوان حداقل دستمزد ماهیانه کارگری برای سال ۱۳۹۵، تعیین کرد. این افزایش شامل حق مسکن و حق بن نقدی، سنوات بازنشستگی نمی شود. البته این حقوق شامل کارگرانی می شود که در واحدهای مشمول قانون کار مشغول بکار هستند. به این معنی کارگرانی که در کارگاههای کوچکی که شامل قانون کار نمی شود مشمول دریافت این حداقل نیستند و حقوق کمتری دریافت خواهند کرد.

این مبلغ چند برابر از خط فقر هم پائین تر است و کارگران با این حقوق شاید بتوانند ۱۰ روز از ماه را بگذرانند. در زمانی که یک میلیون تومان، کرایه ماهانه یک آپارتمان بسیار معمولی دو خوابه است یک خانواده ۴ نفره چگونه قادر خواهند بود حداقل مایحتاج زندگی خود را با ۸۱۲ هزار تومان دریافتی ماهانه حقوق کارگری تامین کنند. این مقدار دستمزد یعنی برده کردن و بیگاری کشیدن از کارگران فقط برای نیم لقمه ای نان، وزیر سازمان کار در سال ۹۴ می گوید که یک میلیون هشتصد هزار تومان حداقل درآمد برای یک زندگی معمولی است حال با گذشت یک سال که بنا به آمارهای دولتی ۱۵ درصد تورم اقتصادی وجود داشته است. شورای عالی کار که نمایندگان دولتی در کمیسیون دستمزدها تصمیم گیران اصلی هستند. ۸۱۲ هزار تومان را پایه حقوق قرار داده اند.

حرص و ولع سرمایه داری در ایران حد و مرز نمی شناسد، بویژه اینکه با دولتی مواجهه باشد که به سرمایه داری هم دارای نگرش های فئودالی بوده و خود نماینده دزدان قانونی و غیر قانونی، نماینده و کاندیدان کالاها قاچاق و گذاشتن قانون خود نوشته در آرشیوهای دولتی برای نمایش و بزرگترین سرمایه دار یک کشور باشد. این گفته معروف امروز هر چه بیشتر در اوضاع صدق می کند که می گوید "قانون آن چیزی نیست که نوشته شده بلکه قانون واقعی آن چیزی است که اجرا می شود". یکی از "انتقادات" ظاهراً دولتمداران ایران قاچاق کالا و نپرداختن مالیات به دولت است انتقادی که در تمام طول حیات رژیم

کارگران جهان متحد شوید



اسلامی گفته شده و کسی پیشیزی به آن توجه نکرده است. سرمایه داران به آنچنان سودهای میلیاردي از قبل زد و بند و رشوه با حاکمان رسیده اند. که گاهگاهی بسیاری از افراد حکومتی خطر این همه دزدی و ارتشاء را به رژیم گوشزد می کنند. اما وقتی کار به رسیدگی به وضعیت مردم و بویژه کارگران و مزدبگیران جامعه می رسد. هزار و یک بهانه برای جلوگیری از افزایش دستمزدها از جانب دولت و نمایندگان کارفرماها آورده می شود. ضعف های اقتصادی مطرح می شود ، تحریم ها جلو کشیده می شود و برای شانه خالی کردن از زیر مسئولیت اجتماعی رژیم اسلامی به هر بهانه ای متوسل می شود. اما چه کسی در بالاترین مقام های دولتی جوابگوی ویران کردن زندگی مردم و اقتصاد و فرهنگ است ؟ چه کسی جوابگوی وجود هزاران زندانی ، مواد مخدر به وفور در بازار هزاران تن کالاها قاجاق، میلیاردها دلار دزدی و است.

امسال هم سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی دور دیگری از فقر و محنت و فشار و بردگی را به کارگران ایران تحمیل کرده اند. اما این بار کارگران ایران با اطلاعیه های متحدانه اعتراضی نشان داده اند که آماده مقابله با این بی حقوقی و بردگی سرمایه هستند. ما خود را در کنار کارگران ایران بخاطر افزایش دستمزدها می دانیم و از هیچ تلاشی در کمک به این خواست کارگری دریغ نخواهیم کرد . باید علیه حاکمین دزد و ضد کارگر اسلامی با تمام نیرو و متحدانه ایستاد. وقت اعتراضات پراکنده به احجافات و ستمگری و استثمار بی حد کارگران گذشته است. امروز طبقه کارگر برای کسب خواست های خود به نیروی متحد در سطح پر قدرت تری نیاز دارد. اعتراضات کارگری نسبت به تضعیف حقوق کارگران در سالهای گذشته به علت پراکندگی جنبش کارگری دارای شکست ها و موفقیت های ضعیفی بود. اما این ضعف درونی جنبش کارگری بایستی برطرف شود. ضعفی که این امکان را به بورژوازی داده است که دست بالا را در مبارزه علیه کارگران داشته باشد. باید برای برطرف کردن این ضعف بایستی شعار "کارگران جهان متحد شوید" را محکم در دست گرفت و عملی کرد .

جشن نوروز... بقیه از صفحه اول

و خلاصه هر کس به امید برآورده شدن آرزوهایش به استقبال این جشن همگانی می رود. امید به رهائی از وضعیت موجود و رو به روشنائی ، سرسبزی و شادی و دوری از غم ها و غلبه سیاهی ها پیام این جشن برای مردم ما بویژه آنهایی که زیر بار ستم و استثمار، به تباهی کشان اجتماعی، در حال خورد شدن هستند. عید نوروز در پیامش و در مراسم هایش زیر پا گذاشتن اختلافات و درون گرانی شخصی و نگاه به بیرون و گرویدن به جمع را تبلیغ می کند. بهار می آید در بوی گله ها ، در دلپذیری نسیم صبحگاهی و گرمی احساس همبستگی انسانی و رهائی از محدودیت سرمای زمستانی و به پایان رسیدن هجوم برف و بوران ها . بهار می آید با لشکری از نيزه های نور برای درهم شکستن سیاهی برای آنکه سفیدی برف زمستانی را با روشنائی بهار پیوند زند و و قله های برفی را به منبعی برای تغذیه زندگی از آن تبدیل کند. جویبارها دوباره پر آب می شود و در پیوستن و حرکت جویبارها رودخانه ها ، در غوغای پرندگان مهاجر، در باز شدن غنچه ها و باز شدن لبها به دوستی، عشق و لبخند بهار شکل می گیرد. اگر چه امسال سفره ها خالی تر و دست خانواده ها از معیشت و رفاه اقتصادی کوتاه تر و چهره رنجبران جامعه خسته تر و فقر تحمیلی و کمبودها چهره کریه خود را نشان می دهد ، اگر چه امسال کارگران و زحمتکشان و حتی کارمندان عادی دولت با وضعیت غیر قابل تحمل تری روبرو هستند اما با تمام این احوال، جشن نوروز حتی اگر موقت هم شده غم ها را به کنار می نهد تا پیام آور شادی برای همه باشد اگر چه شادی تهیدستان در ناداری و فقر، شادی زود گذر و پر کینه از مناسبات حاکم اجتماعی است. مناسباتی که رژیم اسلامی سرمایه بوجود آورده است.

حزب رنجبران فرارسیدن جشن نوروز و سال تازه را به همه انسان های شریف و زحمتکش ، تبریک می گوید.

نوروز ۱۳۹۵

نتیجه انتخابات... بقیه از صفحه اول

بازگشت اصلاح طلبان و شکست سنگین اصولگرایان مشکلی از مشکلات عدیده ای که رژیم جمهوری اسلامی مسئولش است حل نخواهد کرد و در از پاشنه به همان منوال سابق خواهد چرخید.

اصلاح طلبان حکومتی با به قدرت رسیدن روحانی به عنوان رئیس جمهور ، سیاست های برجام را بدست گرفته اند و از بحران بیشتر نظام در ایران جلوگیری کردند ، و این خدمتی بود که حتی به اصول گرایان هم شد . اما آنها هیچ برنامه ی پایه ای برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی و کلا اجتماعی ندارند و به مثابه نیروهای پراگماتیسم سعی به تعدیل های ساختاری دارند که در اوضاع کنونی بین المللی و ملی جوابی به مشکلات کنونی نیست . اما شعار تعدیل اقتصادی و اعتدال ، وقتی جامعه را به مرگ گرفته ای تا به تب راضی شود، برای بخش هایی از مردم جلب کننده است . اصلاح طلبان حکومتی می گویند "ما که نمی توانیم این ساختارها را تغییر بدهیم پس حداقل دست به تعدیل آن که در ید توان ماست بزنیم"، سیاستی فریبکارانه که هیچگاه نتایج عملی آن فرا نخواهد رسید . آنها در گذشته خود این ساختارهای دولتی را همراه با دیگر جناح های رژیم در انقلاب تحویل گرفتند و تحکیم کردند . در نتیجه انتظار تغییر این ساختارها از اسلامی بودن تا نهادهای بوروکراتیک و پایه گذاری سیستم فساد و رشوه خواری و دزدی از کسانی که سرچشمه رشد و باروری آن بوده اند ، غیر واقعی و خود فریبی است .

این نوع سیستم انتخاباتی که دو جناح حکومتی بصورت طولانی مدت و دوره ای قدرت را توسط " انتخابات " در اختیار می گیرند. ولی در سیاست های دولتی مثل هم هستند . کپی انتخابات در کشورهای غربی با سایه و روشن هایی است ، تنها با این تفاوت که در کشورهای اروپائی ارگان های انگلی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام ، شورای نگهبان ، مجلس خبرگان رهبری ، رهبری انقلاب و.... وجود ندارند ولی انتخابات با و یا بدون این ارگان ها بصورت دو حزبی و دو جناحی سازماندهی شده است و سالهاست که به پیش برده می شود. مردم در کشورهای غرب هم اینرا خوب فهمیده اند و نسبت به انتخابات کاملاً بی علاقه هستند. بطور مثال در استرالیا کسی که واجد شرایط باشد و در انتخابات



پیرامون اوضاع کنونی ایران...

بقیه از صفحه اول

شده است. بررسی کم و کیف ترکیب طبقاتی و اقشار مختلف درون این طبقات، این امر را که ایران نیز مانند اکثر کشورهای دربند پیرامونی یک جامعه سرمایه داری با توسعه دم بریده و لومپنی است، تأیید میکنند.

در حال حاضر (۱۳۹۴ ه ش) در صد نیروی کار شاغل ۲۱ تا ۲۲ در صد به خرده بورژوازی، ۳۰ تا ۳۲ در صد به طبقه کارگر، ۷ تا ۹ در صد به طبقه متوسط بورژوازی و نیم تا ۲ در صد به طبقه بورژوازی بزرگ (یک در صدی ها) تعلق دارد.

در پرتو این تحویل و تحول در دموگرافی ترکیب طبقاتی از یکسو و شرایط سیاسی و اجتماعی رو به رشد از سوی دیگر، ما در حال حاضر شاهد تنش های طبقاتی و وسیعتری در جامعه ایران هستیم که در تاریخ معاصر ایران کم نظیر محسوب میشود. مردم زحمتکش ایران (تهیدستان و فزودستان شهر ها و روستاها و در راس آنها کارگران میلیونی) بعد از سال ها دل بستن و امید به "کرامت" و "مهرورزی" دولت های جمهوری اسلامی سرمایه از توهم بیرون آمده و متوجه بُعد فاجعه گسترش فقر و گرانی و بیکاری و بیش از پیش شده اند. کارگران و دیگر قربانیان نظام به خوبی میدانند که سیاست های کمپرادوری رانت خواری، حراج نفت و دیگر منابع طبیعی ایران به کمپانی های انحصاراتی کشورهای مسلط مرکز همراه با خصوصی سازی های کارخانجات، موسسات آموزش و پرورش، طب و بهداشت، وسایل نقلیه و ترابری و ... (که منبعث و ناشی از دنباله روی دولت های "مهرورز" از سیاست های ویرانگرانه "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" و "سازمان تجارت جهانی" است)، از علل اساسی گسترش فقر و نابرابری معیشتی و اعمال ظلم و استعمار طبقاتی علیه کارگران و دیگر نیروهای کار و زحمت در ایران کنونی است.

تنش های طبقاتی که در تظاهرات و اعتراضات وسیع و متنوع کارگران در شهرهای ایران بطور دائم منعکس میگردد، بخوبی و روشنی نشان میدهد که امروزه در هیچ کشوری در خاورمیانه و حوزه اقیانوس هند، جنبش مستقل کارگری به اندازه ایران وسیع، فراگیر و مستقل از دولت نیست. این ویژگی به اضافه دیگر ویژگی ها (منجمله افزایش

کشاند و امنیت عمومی را کاهش خواهد داد. اصولگرایان که قدرت را در مجلس و دولت و خبرگان از دست داده اند. مجدداً با توسل بیشتر به قوه قضایه و نیروهای امنیتی نظامی سعی به پیشبرد سیاست های خود در درون رژیم خواهند کرد.

روشن است با حضور خامنه ای در راس قدرت رژیم اسلامی تعادل قدرت بین جناح های درونی کمی جابجا خواهد شد ولی به هیچ وجه از بین نخواهد رفت و بده و بستان جناح های مختلف ادامه خواهد یافت. کلان سیاست های خارجی و داخلی رژیم در اساسی ترین نکات خود بدون تغییر خواهد ماند و همچون گذشته تنها او به عنوان رهبر رژیم اسلامی خواهد توانست سیاست های اساسی را تغییر دهد. اگر چه با قدرتمندتر شدن اصلاح طلبان، تأثیر تمایلات سیاسی آنها را در سیاست های کلان رژیم نمی توان انکار کرد.

اما در مهمترین مسئله یعنی مناسبات با مردم، تغییر اساسی ایجاد نخواهد شد. امکان بهتر شدن وضع اقتصادی مردم برای دوره ای موقت دور از امکان نیست ولی این بهبود اقتصادی کاملاً موقت بوده و بحران اقتصادی و سیاسی رژیم همچنان به رشد خود ادامه خواهد داد. این انتخابات همچون تمامی انتخابات رژیم اسلامی یک انتخابات طبقاتی در بین جناح های سرمایه داری بود که اجازه ورود هیچ نیرو و یا عنصری از مدافعین منافع طبقه کارگر و زحمتکشان را به آن نبود. این انتصابات حکومتی از بین دوجناح حکومت نه می تواند و نه می خواهد که مشکلی از مشکلات مردم زحمتکش ما را حل کند. حل واقعی مشکلات طبقات تحتانی جامعه اعم از کارگران و زحمتکشان از طریق انقلاب و سرنوشتی رژیم اسلامی امکان پذیر است.



شرکت نکند جریمه پولی می شود. این برخورد به مسئله انتخابات تحت عنوان "تشویق به شرکت در انتخابات" شکل مضحکی از برخورد به نفس دموکراسی در انتخابات است.

این بی تفاوتی به انتخابات که در کشور ما با انداختن سفره های آنچنانی و پارتی بازی و خرج کردن پولی غیر قانونی جبران می شود. اگر چه در مناطق فقیر و عشایر تا حدود ضعیفی کاربرد دارد و در مناطق شهری کارائی خود را از دست داده است امسال برطبق گفته وزارت کشور ۶۲ در صد رای دهندگان در انتخابات شرکت کرده اند. رقمی که وزارت کشور اعلام کرده است چگونه بدست آمده است؟! می دانیم که تمامی مستخدمین دولتی اعم از کارمندان و کارگران و نظامیان و غیره در صورتی که نخواهد که مورد بی مهری دولتی و مشکلات و مزاحمت های کاری قرار گیرند حتماً بایستی در انتخابات شرکت کنند. این بوروکراسی عظیم دولتی ۳۰ در صد شرکت کنندگان را تشکیل می دهند. در واقع با خوش بینانه ترین حالت ۳۰ در صد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده اند. اما انتظار بخش هایی از مردم از اصلاح طلبان در رابطه با بهبود وضعیت اقتصادی و گسترش آزادی های اجتماعی، در دور جدید قدرت، توهمی است که توسط تمامی جناح های حاکمیت تبلیغ و دامن زده شده است.

به پیروزی رسیدن اصلاح طلبان در "انتخابات" مجلس شورای اسلامی و خبرگان پیامدهایی در

۱- سیاست های داخلی از جمله تمرکز برای تعیین جانشین ولایت فقیه، کم کردن قدرت نظامیان در سیاست و سپردن اقتصاد داخلی به بخش خصوصی، کم کردن فشارهای دولتی در مسائل شخصی و سرکوب بیشتر نیروی های متشکل اپوزیسیون.

۲- در سیاست خارجی، از جمله سیاست بازکردن درهای اقتصادی تحت سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در سطح گسترده تر، تلاش در جهت کاهش جو متشنج منطقه ای و بین المللی، نزدیکی بیشتر به غرب در عین حفظ ارتباطات با روسیه و چین و بریکس، خواهد داشت.

۳- در زمینه داخلی شکست اصول گرایان، نیروهای بسیج و لباس شخصی را مجدداً به خیابان ها در جهت اعمال سیاست های آنان و به عنوان نیروی فشار، خواهد



خطر منافع سیاسی و خواسته های اقتصادی - معیشتی کارگران و دیگر زحمتکشان و تهدیدستان ایران را به منافع تنگ تشکیلاتی، دغدغه های گذشته گروهی و توهّمات های نکوّهیده سکتاریستی ترجیح داده خود را برای برپایی یک ستاد سرتاسری رهایی بخش دسته جمعی، آماده سازند.

منابع و مآخذ

- ۱- اکبر آقاجانیان، "تغییر جمعیت در ایران" در مجله "ریویوی جمعیت و توسعه" سال هفدهم شماره ۴ (۱۹۹۱)
- ۲- ای علوی "در باره نابرابری های توزیعی در آمد در ایران" در روزنامه "آفتاب" و مجله دو ماهنامه "چشم انداز ایران" سال های ۱۳۸۵ - ۱۹۹۵.
- ۳- مجله "نیشن" چاپ نیویورک در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶
- ۴- امیر جمعی، "از برزگر دهقان به کشاورز" در مجله ژورنال بین المللی مطالعات خاورمیانه سال ۳۷ شماره ۳ (۲۰۰۵) و شماره های مربوط به سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶

ن.ناظمی



روزافزون در صد کارگران در زندان های ایران) شرایطی به وجود آورده که به کلیه جریانات ضد بازار نئولیبرالی سرمایه بویژه مارکسیست ها (که وظیفه ملی و تاریخی در مقابل امر خدمت به طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان احساس می کنند و باید هم چنین باشند) ، حکم می کند که هر چه سریع از طریق اتخاذ اتحاد بین خود و تلاش جدی جهت تدوین یک برنامه استراتژیکی قابل اتکا و برای تشکل و سازماندهی این نیروی بزرگ در ایران آغاز نمایند. بگذارید در این مورد به چندین مطلب قابل تأمل اشاره نمائیم:

برای سال ها بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (تحقیقا بعد از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا این اواخر) جنبش چپ ایران (تقریبا کلیه جریانات مارکسیستی) به دو علت اساسی در بحرانی پر از پراکندگی، سکتاریسم و ... فرو رفت. این دو علت عبارت بودند از:

- ۱- علت داخلی و ملی- شکست انقلاب و سرقت آن از سوی میوه چینان انقلاب و عروج استبداد جمهوری اسلامی سرمایه.
- ۲- علت خارجی و بین المللی - پروسه فروپاشی و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و "اردوگاه سوسیالیستی" و تبدیل چین توده ای به یک کشور سرمایه داری از یکسو و عروج بلامنازع آمریکا به قله تک قطبی- محوری نظام جهانی سرمایه.

اکنون پس از سی اندی سال استبداد و خفقان، رژیم اسلامی سرمایه در رکود اقتصادی فلاکت بار و نزدیک به بحران کامل (تورم، بیکاری، بی خانمانی و تشدید روزافزون نابرابری معیشتی و ..) فرو رفته و خود را در مقابل امواج خروشان اعتراضات و تظاهرات عظیم و فراگیر کارگری، کمپین های زنان و جنبش های حق طلبانه ملیت های ساکن ایران عاجز یافته و باردیگر به آخرین حربه خود (سرکوب خلق) توسل بسته و این دفعه نیز (همانطور که شعبده بازی های اخیر انتخابات "مجلس شورای اسلامی" و مجلس خبرگان" به روشنی نشان داد) برای بقای خود بیش از هر زمانی بدامن مافیای اقتصادی رژیم که مهره اصلی نهادهای اصلی نظام فرتوت سرمایه داری جهانی (صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی) و پیشبرد روند کلیدی گلوبالیزاسیون (خصوصی سازی) در ایران است، پناه برده است.

از سوی دیگر پی آمدها و تبعات منبعث از فروپاشی شوروی اردوگاه سوسیالیستی و تبدیل چین توده ای به یک کشور مقتدر سرمایه داری بعد از گذشت بیست و پنج سال

از وقوع آنها نه تنها عمدتا در بین جریانات مارکسیستی ایران تضعیف و حتی بی ربط و نابود گشته اند بلکه بموازات این تحویل و تحولات بالاخره نظام جهانی سرمایه داری (که در تاریخ معاصر بشر بزرگترین عامل بین المللی سرکوب و انهدام حتی فیزیکی کمونیست ها و سوسیالیست های جهان منجمله در ایران بوده و هست) در پرتو فراز امواج خروشان بیداری و رهایی خلق ها و کارگران و دیگر زحمتکشان جهان، در بستر کهولت و فروتوتی افتاده است. توضیح اینکه راس نظام (آمریکا) که در بیست و پنج سال گذشته (در دوره بعد از پایان "جنگ سرد") تلاش کرده که در سراسر جهان بویژه در خاورمیانه بزرگ (از طریق اعمال سیاست های امپریالیستی "تلاقی تمدن ها") امپراطوری آشوب در جهت بقای خود براه اندازد، با ناکامی روبرو گشته و پدیده آشوب به شکل های متنوع و گوناگون به درون کشورهای امپریالیستی سه سره (در مرحله اول در کشورهای "اتحایه اروپا" در ۲۰۱۶-۲۰۱۴) و هم اکنون (زمستان و بهار ۲۰۱۶ م) در شکم هیولای راس نظام رخنه کرده و گسترش یافته است.

نتیجه اینکه:

تأثیرات و پی آمدهای دو عامل و مبنای اصلی بحران چپ مارکسیستی ایران، شکست و سرقت انقلاب ایران و پروسه فروپاشی "اردوگاه سوسیالیستی" و فراز هرژمونیک راس نظام جهانی سرمایه به نحو مثبتی به سود قربانیان نظام سرمایه بویژه کارگران در ایران خنثی شده اند. بدین خاطر کانون های مربوط به چپ های مارکسیست ایران در همبستگی با دیگر نیروهای برابری طلب، آزادیخواه و طرفدار استقرار حاکمیت ملی باید به این امر مثبت و امیدوار کننده توجه کنند که به شکرانه استقامت و پایداریشان در برابر تعرضات و تبلیغات مسموم کننده چه از سوی عامل خارجی (نظام جهانی سرمایه) و چه از سوی عامل داخلی (رژیم قهار جمهوری اسلامی سرمایه)، امروز امواج فراگیر تنش ها و اعتراضات بویژه جنبش های زنان، ملیت ها و ... به آنها نوبت ابراز وجود و ایجاد تشکل های پیشرو بویژه کارگری مورد اعتماد را فراهم ساخته است.

در نتیجه به نظر نگارنده نیروها و جریانات مارکسیستی ایران بیش از هر زمانی در بیست و پنج سال گذشته در هر کجا که هستند می توانند راحت تر و با آسودگی

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضا و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

محیط زیست در ایران

هشدار ها جدی است ، دیگر صحبت یک یا دو موسسه خارجی و یا دشمنان نیست . این روزها دست اندار کاران رژیم جمهوری اسلامی هم خطر بیابانی شدن بخش های وسیعی از ایران را عنوان کرده و نسبت به این روند هشدار می دهند. جنگلها از ۱۸ میلیون هکتار به زیر ۱۲ میلیون هکتار رسیده است. هوای شهرها بسیار آلوده و سرانجام آبهای کشور با کاهش شدید روبرو است. ظاهرا همه مسئولان محیط زیست، مسئولان گذشته و سیاست های آنها را به باد انتقاد علنی در رسانه های عمومی می گیرند. به قول معروف دست پیش را می گیرند که پس نیافتند .

اما قضیه فرا تر از این فریبکاری های مسئولان حکومت اسلامی است. زیبا کلام استاد لیبرال اصلاح طلب حکومتی در مناظره تلویزیونی صحبت جالبی داشت او بعد از آوردن آمارهای مختلف از بودجه های کلان ارگانهای اسلامی از امریه معروف و نهی از منکر تا بقیه به آمار و بودجه سازمان محیط زیست ایران اشاره داشت که دهها نه صدها برابر کمتر از ارگان های مبارزه با حجاب و بد اخلاقی اسلامی است . این استاد لیبرال هم فهمیده است که مشکل محیط زیست ایران نه یک روند طبیعی بلکه دقیقا یک سیاست اقتصادی است. واقعیت این است که در ایران بعثت دزدی های کلان و فسادهای عظیم مالی دیگر نه کسی به فکر محیط زیست است و نه بودجه ای باقی می ماند که بتوان طرحی را با آن اجرا کرد. در سال های گذشته چندین دریاچه ، مرداب و رودخانه و مناطق آبخیز کشور از بین رفته اند . برخی از این منابع آبی ظاهر توسط سد سازی برای کمک به کشاورزی و تولید برق کنترل شده اند اما چون بسیاری از این طرح ها مبنای علمی و تحقیقی ندارند در عمل باعث بی آبی صدها روستا با هزاران هکتار زمین زراعی شده است . بسیاری از روستائیان به شهرها کوچ کرده اند و زمین ها بدون کشاورز مانده است . کشاورزی تعاونی و مدرن در سطح کلان که قرار بوده است جای آنرا پر کند یا به صادرات اختصاص داده شده است و یا سرمایه هایش حیف ومیل شده است و وام های داده شده در معاملات زمین، تجارت خصوصی با خارج و غیره خرج شده است.

هر کجا منافع سرمایه حکم نماید بدون هیچگونه بررسی و تحقیقی محیط طبیعی براساس منافع افراد و شرکت های داخلی و خارجی به ویرانی کشیده می شود. بطور مثال برای کشف و جستجوی نفت در خوزستان حاصلخیز هزاران هکتار زمین کشاورزی به نابودی کشیده شده اند. در اطراف کرج طی دهه گذشته هزاران هکتار زمین کشاورزی در خدمت احداث کارخانجات و یا شهرک سازی از بین رفتند و میلیونها اسله درخت به دست نابودی سپرده شدند. خشک شدن محیط طبیعی ایران به فرایندی بر می گردد که از سالها پیش با سیاست های دولت در ایران پیش گرفته شد. این سیاست ها عبارتند از

۱ - بی توجهی به منابع آبهای سطحی و عمقی و نیمه عمقی و استفاده بیش از حد استاندارد از آنها و در نتیجه خشک شدن بسیاری از این منابع . استفاده بی رویه و نادرست از سدها و تغییر مسیر رودخانه ها و آبهای کشور

۲ - عدم صرف هزینه برای فاضلاب های صنعتی و شهری و ریختن آنها به درون آبهای جاری و راکد

۳ - عدم صرف هزینه برای طرح های بلند مدت مانند درختکاری ، کنترل جنگل ها ، کنترل زمین های کشاورزی و سیاست حفظ از گونه های حیوانی و گیاهی .

۴ - دزدی از بودجه های دولتی از طریق قراردادهای زیست محیطی و یا نیمه کاره گذاشتن آنها .

۵ - در پیش گرفتن سیاست ازدیاد جمعیت

۶ - استفاده از سوخت های غیر استاندارد و آلوده کردن فضای تنفسی شهرها ، عدم برنامه ریزی برای ریزگردهای در فلات قاره و برنامه ریزی های غیر استاندارد و غیر علمی برای محیط زیست و رشد صنعتی - کشاورزی

مجموعه این عوامل بعلاوه خشکسالی دوره ای فلات ایران وضعیت ناهنجاری را برای مردم در سرتاسر ایران بوجود آورده است . آلوده بودن مواد غذایی ، واردات انواع اقسام مواد غذایی ، پاک کننده ها و مواد صنعتی ، سوخت های غیر استاندارد ، و ریزگردها که از مناطق مرزی غربی وارد می شوند دست به دست هم داده و میزان بیماری ها بویژه سرطان را بشدت رشد داده است . در بیشتر کلان شهرهای ایران مقدار گازهای کرینیک از حد استاندارد بسیار بیشتر و فضای تنفسی که ریزگرد ها هم به آن اضافه می شود در برخی مواقع به تعطیلی کلاس های درس و روی آوردن به

ماسک های تنفسی توسط مردم می انجامد . آلودگی محیط زیست انسانی در ایران صرفا ناشی از بی برنامه گی حاکمین نیست. به بیان دیگر این بی برنامه گی حاکمین خود نوعی برنامه ریزی برای محیط زیست در ایران است . وضعیت نابسامان و ناهنجار محیط زیست در ایران به ولع و حرص سرمایه داری ایران برای کسب هرچه بیشتر سود از محیط طبیعی بدون توجه به پی آمدهای آن ارتباط مستقیم دارد.

حفاظت از محیط زیست تنها مربوط به پاکیزه نگه داشتن طبیعت نیست این حفاظت تأثیرات اقتصادی ، بهداشتی ، روانی ، فرهنگی عمیق و گسترده ای در جوامع دارد. بدون وجود محیط زیست سالم نمی توان جامعه ای سالم و انسانی را سازمان داد. جامعه سالم ارتباط تنگاتنگی با محیط زیست انسانی طبیعی و سالمی دارد و در این ارتباط متقابل و صحیح است که می توان به پیشرفت یک کشور و یک جامعه رسید.

وقتی مسائل زیست محیطی مورد بررسی قرار میگیرد ، این بررسی صرفا به محیط و شرایط جغرافیایی محدود نمی شود پی آمدهای آلوده شدن محیط زیست تأثیرات مخربی روی گیاهان ، جانوران و انسان دارد . آبها ی آلوده ، خاک آلوده ، هوای آلوده در واقع عناصری هستند که با زندگی ارتباط مستقیم پیدا می کنند و آلودگی هر کدام می تواند کلیت زندگی را به نابودی بکشد . با سرعتی که آبهای رودخانه ها و دریاچه ها بطرف خشک شدن می روند همراه خود خاک های حاصلخیز ، مراتع و جنگل ها را به نابودی می کشند و به همراه نابودی جنگل ها ، هوای روبه خشکی و آلودگی می رود ، تشدید فعالیت های صنعتی بویژه اگر بر اساس استانداردهای جهانی نباشد ، روند آلودگی را تشدید کرده و می کند . رشد آلودگی باعث امراض گوناگون مرتبط با این آلودگی ها بویژه سرطان شده است که خود به یک معضل جدید جوامع تبدیل شده است. فریبکاری حاکمین برای چشم پوشی از خواست محیط زیست سالم و طبیعی شهروندان کشورمان گاها به تمسخر نزدیک است تا پیگیری یک سیاست . بطور مثال گاهگاهی رسانه های داخلی از درگیری شکارچیان غیر قانونی با ماموران اداره محیط زیست از مناطق حفاظت شده طبیعی و کشته شدن طرفین اخباری پخش کرده و مرتب بر سر حدود حقوق ماموران حفاظت بخاطر استفاده از اسلحه و غیره برنامه ریزی رسانه ای می کنند. ولی هیچکدام از آنها از واردات هزاران تن مواد غذایی

ما بخشی از زمین هستیم



جمع قدم اول یک گرایش کارگری - کمونیستی است

یک گرایش کارگری است که ریشه در میان طبقه کارگر دارد، در روند تکامل مبارزات کارگری پایه ریزی شده و بر راه گسترش خود در درون جنبش کنونی کارگری پا فشاری میکند. نمونه والگوی جمع قدم اول زندگی مبارزاتی شاهرخ زمانی است که مبتکر این گرایش بود. جمع قدم اول با دل و جان شعار کارگرانی را که در خاک سپاریش فریاد کردند و تشکل های دیگر کارگری مهر تائید بدان زدند را شعار خود می داند.:

شاهرخ معلم ماست

راه شاهرخ راه ماست

ویژگی های این گرایش کدامینند ؟

نخست

طبقه کارگر را در مرکز کلیه ی امور قرار داده، آشکارا بدون پرده پوشی اعلام می کند برای تغییر انقلابی جهان بسود این طبقه کار می کند. در پی ایجاد سازمانی است در خدمت کل جنبش کارگری و کمونیستی بدور از هرگونه سکتاریسم برای نوسازی تشکل های کمونیستی موجود در روند رشد و گسترش مبارزات طبقه کارگر تلاش می کند.

دوم

این گرایش با توجه به تجربه ی صد ساله ی جنبش کارگری - کمونیستی ایران، با توجه به پراکندگی کمونیستها و سوسیالیستها در احزاب و سازمان های جدا از هم که بعضی از آنها در وجود اختلافات بطور غلو آمیزی اصرار می ورزند از یکسو و با توجه به جنبش کارگری در حال گسترش و بر خاستن فعالین کارگری از صفوف آنها از سوی دیگر، راه پیشروی را در خطوط قابل لمس و عملی که نشأت گرفته از اوضاع مشخص ایران و تجربه چندین ساله خود در داخل جنبش کارگری، ترسیم می کند این گرایش از کمونیستها و سوسیالیستها ی کنونی در داخل و خارج دعوت می کند در یک مسیر کار مشترک براساس توافقات، تبادل نظر و گفتمان بر سر مسائل مورد اختلاف - بشیوه ی علمی و علنی که کل

آلوده، عدم سیاست های درست و اختصاص بودجه های لازم و دست بردن به مبنای آلودگی محیط زیست، و از بین رفتن دهها گونه گیاهی و حیوانی ناشی از دادن اجازه ساخت و ساز و از بین بردن جنگل ها و حرفی نمی زنند. آنها علت را رها کرده و به معلول چسبیده اند تا اذهان عمومی را نسبت به واقعیات های محیط زیستی در ایران بپوشانند. این لاپوشانی مسائل محیط زیست در واقع لاپوشانی نسبت به کسب سودهای سرشار از قبل سیاست های رژیم اسلامی (علیه حفاظت از محیط زیست انسانی) به مثابه اولیه ترین حق زندگی است.

در زمانی که هزاران هکتار جنگل در خدمت سرمایه گذاری های صرفا پرسود به نابودی کشیده می شوند و همراه آن دهها و صدها گونه های گیاهی و حیوانی از بین می روند. هیچ ارگان دولتی بویژه اگر این نابودی بدست بالاترین مقامات رژیم انجام شده باشد، قادر به جلوگیری از آن نیست. وقتی هزاران خانواده فقیر و زحمتکش ماهها است که گوشت نخورده اند بزرگمائی از شکار توسط شکارچیان آیا چشم بستن بر واقعیات نیست. موضوع محیط زیست و برخورد دولت به آن همچون برخورد دولت به مسئله مواد مخدر است که دهها تن مواد مخدر در ایران جابجا و خرید و فروش می شود(آنها با کمک سپاه و ارگان های انتظامی). اما دولت در پی جمع آوری عده ای معتاد در خیابان هاست.

گذاشتن کنفرانس پشت کنفرانس و برنامه های رسانه ای برای آگاهی عمومی از مسئله محیط زیست کار پر ارزشی است اگر که همراه آن سیاست هائی به کار گرفته شود که بطور ریشه ای از نابودی محیط زیست سالم و طبیعی جلوگیری کند. سیاستی که نه بر اساس سود و منافع حاکمین فاسد بلکه در خدمت منافع کل جامعه و رشد آن باشد. و این آن چیزی است که با حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و ضدیتش با پیشرفت و ترقی امکان پذیر نیست.

وجود محیط زیست سالم احتیاج به جامعه سالم و بر عکس دارد

دفاع از محیط زیست دفاع از اولیه ترین حقوق انسان برای زندگی است

ما بخشی از زمین هستیم

به زمین عشق بورزید عشقی که یک نوزاد به ضربان قلب مادرش دارد

مهران پیامی



طرفدران جنبش کارگری دسترسی بدان داشته باشند، طبق توافق روی پرو تکل مشترکی کار تدارک ایجاد حزب را به جلوبرند. کار مشترک را در تنگاتنگ با مبارزات جاری کارگری و در تشکل های مستقل کارگری و دیگر جنبشهای توده ای مانند زنان، معلمان و پرستاران بستر اصلی است تا از اینطریق هم به مبرم ترین ضرورت هدایت این جنبش ها که تنها راهش وجود عناصر آگاه کمونیست و سوسیالیست منشکل است پاسخ دهد و هم با پراتیک مشترک در درون این جنبش ها، همبستگی و تفاهم میان آنها در روند یکی شدن کمونیستی بوجود آید.

سوم

گرایش براین نکته تاکید دارد که جنبش کارگری ایران احتیاج مبرمی به یکی شدن و ایجاد ستاد رهبری کنندهی معتبر و با حیثیتی دارد و باید در مقطعی به این روند نقطه ی تحول کیفی گذاشت. ضروریست بادرایت انقلابی بدور از هرگونه خود مرکز بینی، طبق شرائط مشخص موجود آنزمان توسط جمع شرکت کننده در روند همکاری های مشترک، کنفرانس ایجاد حزب کمونیست نوینی برگزار شود.

در این کنفرانس در بهترین حالت اینست که همه ی گرایشات برسر یک برنامه که از صافی جمعی طی گفتمان های علنی و با سبک درست مارکسیستی گذشته، توافق شود. همه این نقشه بستگی تام و تعیین کننده به رشد کیفی جنبش خود طبقه کارگر دارد که در حال گسترش و تکامل است. شاید گفته ی داهیانه مارکس وانگلس در مانیفست حزب کمونیست که بیش یک ونیم قرن پیش که تازه قدرت کارگران در انگلیس در حال شکل گیری بود، در ایران دارای پانزده تا هفده میلیون کارگر در عمل باعث شود در حرکت خود طبقه، احزاب و سازمانهای موجود ذوب شوند و با نفی دیلکتیکی خود تکامل یکی شدن را تسریع بخشند

چهارم

دنیا را از دید طبقه کارگر بر اساس تئوری مارکسیستی نگاه می کند. ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیکی را در شناخت اوضاع جاری و مشخص



تاریخ احزاب سیاسی در ایران (قسمت دوم)

فصل دوم: جنبش های سوسیال - دموکراسی و کارگری در عصر مشروطیت

علیرغم تبلیغ و ترویج اندیشه های سوسیالیستی و سوسیال - دموکراسی در ایران توسط روزنامه نگاران مترقی در اواخر قرن نوزدهم، به ویژه در دوره ی پس از قتل ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ خورشیدی (۱۸۹۶ میلادی) تا آغاز انقلاب مشروطیت، جهت ساماندهی و سازماندهی عناصر سیاسی و اجتماعی که به اندیشه های سوسیالیستی و آزادیخواهی اعتقاد داشتند، تلاش های بسیاری انجام شد اما هیچ کدام موفق به ایجاد تشکل یا سازمان سیاسی نشدند. با آغاز فعالیت های سیاسی اجتماعی در آستانه انقلاب مشروطیت ایران، روشنفکران ایرانی که تحت تاثیر روشنفکران و کارگران انقلابی کشور های روسیه تزاری، ترکیه عثمانی و مصر قرار گرفته بودند، برای نخستین بار به تدارک اولین سازمان سوسیالیستی پرداختند.

سازمان همت

نخستین سازمان سیاسی ایرانی در سال ۱۲۸۳ خورشیدی (۱۹۰۴ میلادی) توسط برخی از روشنفکران و کارگران و تجار ایرانی که در جستجوی تحصیل و کار و تجارت به ایالات قفقاز روسیه تزاری مهاجرت کرده بودند در باکو تاسیس گردید. این سازمان که "همت" نام داشت، توسط روشنفکرانی هدایت میشد که تحت تاثیر وقایع سیاسی آن زمان با سوسیال - دموکرات های انقلابی (بلشویک) روسیه در ایالات قفقاز، ارتباط تنگاتنگ داشتند و این سازمان در اندک مدتی، بسیاری از ایرانیان مهاجر به ویژه کارگران و دانشجویان ایرانی ساکن آن مناطق را به عضویت خود در آورد. در سال های آغازین قرن بیستم، نزدیک به سی هزار کارگر مهاجر ایرانی در شهر های مختلف ایالات قفقاز به ویژه در شهر های باکو، گنجه و تفلیس زندگی می کردند. در سال ۱۹۰۵ در کشاکش آغاز انقلاب مشروطیت، تعداد این کارگران به شصت و دو هزار نفر رسید. این آمار شامل کارگرانی است که دارای گذرنامه بودند و اگر کارگران ایرانی را که بدون گذرنامه و یا غیر قانونی وارد روسیه شده بودند، به این آمار اضافه کنیم، تعداد ایرانیان مقیم قفقاز نزدیک به صد هزار نفر می

از منافع طبقه کارگر نشأت می گیرد، مبارزه برای خاتمه دادن به استثمار انسان از انسان ادامه همچنان ادامه می دهد. با جمع بندی از تجربه بازگشت سرمایه داری از طریق بوروکراسی دولتی و حزبی دوران عبور از سوسیالیسم به کمونیسم را با ادامه مبارزه طبقاتی به جلو می برد و هوشیارانه تر از گذشته برای محو کامل نظام های طبقاتی، محو هرگونه ستم کوشش خواهد کرد. زوال تدریجی دیکتاتوری پرولتاریائی جزئی از برنامه ی سیاسی پرولتاریائی است که بی تردید در جهانی بدون امپریالیسم، بدون استثمار انسان از انسان و بدون ستم تحقق می یابد.

هشتم

این گرایش براین باور است که طبقه کارگر برای انقلاب کردن احتیاج به سه نوع تشکیلات اساسی دارد

بدون حزب انقلابی کارگری - کمونیستی که سکandar کشتی انقلاب باشد انقلاب واقعی بسود زحمتکشان نمی توان به سر انجام رساند.

در عین حال چنین حزبی در صورتی توانائی می یابد که توده های وسیع کارگران در تشکل های سراسری و در قالب فدراسیون ویا کنفد راسیون با توجه به شرائط مشخص ایران متحد شوند. علاوه بر این احتیاج به اتحادی باز هم وسیعتر و پرقدرت تر که دربر گیرنده ی کلیه ی ستمدیدگان جامعه ی کنونی که از وجود نظام سرمایه داری حاکم ناراضی اند و حاضرند تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی پیشرو آن در انقلاب شرکت کنند، هست.

وفا جاسم



**بجز نوشته هایی که با امضای
تحریریه منتشر می گردد و
بیانگر نظرات حزب رنجبران
ایران می باشد، دیگر نوشته
های مندرج در نشریه رنجبر
به امضا های فردی است و
مسئولیت آنها با نویسندگانشان
می باشد.**

بکار می گیرد.

پنجم

از کل جنبش کارگری جهان و متحدانش در برابر بورژوازی دفاع می کند. دوران تاریخی کنونی را همچنان دوران انقلابات پرولتاریائی می داند که سرمایه داری شیوه تولید سراسری شده و ا نحصارات وبنگاه های مالی جهانی، ابرقدرتهای سیاسی - نظامی خود را بوجود آورده و همچنان برای سهم بیشتر و سود بیشتر با هم در رقابت هستند. مبارزه برای سهم بیشتر دو جنگ جهانی را باعث شد و مبارزه برای سرکردگی بر جهان هرج و مرج کنونی را دامن می زند. پرولتاریا همچنان راهی جز انقلاب کردن ندارد، انقلابی که شرائط عینی اش جهانی شده، آزمون های علمی و گسترش ارتباطات اجتماعی جمعی امکان پیاده کردن شعار کارگران جهان برای انقلاب کردن متحد شوید را بوجود آورده است.

ششم

انقلاب کردن تنها راه برای رهائی طبقه کارگر از یوغ بردگی و نظام استثمارگر سرمایه داری و سلطه ی امپریالیستی در جهان است. پرولتاریا راه طولانی، سخت و پر پیچ و خمی را تا به حال طی کرده است، انقلابات عظیمی را به سامان رسانده، بورژوازی از طریق تسخیر قدرت در احزاب کمونیست بار دیگر سرمایه داری را مستقر کرده است. طبقه کارگر برای اینکه مطمئن شود انقلاب هیچگاه درنیمه راه نمی ایستد و تا پیروزی جامعه ی بی طبقه ادامه خواهد یافت باید با حضور دائمی اش در صحنه - سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... مبارزه علیه بازمندگان طبقات استثمارگر و ستمگر را با شیوه های باز هم انقلابی به پیش راند. جامعه بی طبقه تنها در جهان بی طبقه و با محو کامل فرهنگ بورژوائی پا برجا می ماند.

هفتم

برنامه سیاسی این گرایش انقلاب سوسیالیستی است. انقلابی که در پیروزی آن شورا های کارگری و مستقما توده های وسیع مردم نقش تعیین کننده داشته با استقرار نظامی سوسیالیستی که همچنان خصوصیات طبقاتی دارد و

رسید. (۵)

فقر و فلاکت در روستاهای ایران و همچنین ورشکستگی کسبه و سرمایه داران کوچک در شهرهای ایران به خاطر رقابت های شرکت های روسیه تزاری و امپراطوری انگلستان موجب شد بسیاری از مردم ایران در سال های آغازین قرن بیستم برای تلاش معاش ، آواره شهرهای مرزی ایران و روسیه تزاری و ترکیه عثمانی شوند. بیشتر مهاجران تیره روز به مراکز صنعتی روسیه تزاری سرازیر می شدند که نزدیک ترین آن به ایران مراکز معادن نفت باکو و حومه آن بود. زین العابدین مراغه ای در کتاب خود به نام " سیاحت نامه ابراهیم بیگ" دز باره بحران های اقتصادی و فقر و فلاکت در روستاها از یک سو و استثمار و ستم حاکمان محلی از سوی دیگر که منجر به مهاجرت های هزاران ایرانی به خارج از کشور، به ویژه نواحی قفقاز می شدند، چنین می نویسد:

"اولا در ایران امنیت نیست، کار نیست، نان نیست، بیچارگان چه کنند. بعضی، از تعدی حکام، برخی از ظلم بیگلر بیگی، داروغه و کدخدا. این ناکسان در هر کس بویی بردند که پنج شاهی پول دارند به هزار گونه اسباب چینی بر او میتازند. به یکی میگویند که برادرت سرباز بود از فوج گریخته، به دیگری می آویزند که پسر عمویت چندی قبل شراب خورده حتی همسایه را در عوض گناه ناکرده همسایه گرفته، حبس و جریمه می کنند."

به هر روی این مهاجرت ها که سال ها ادامه یافت بخش بزرگی از روشنفکران و کارگران ایرانی را با فعالیت های انقلابیون کشور میزبان آشنا ساخت. در واقع زندگی در میان کارگران آگاه ، تماس با انقلابیون و شرکت در مبارزات و اعتصابات ، اثر چشمگیری در ارتقاء سطح آگاهی کارگران و نسل آنان بر جای گذاشت و آنها را آماده مبارزه در کشور خویش و انتقال تجربیات ارزشمند و اندیشه های نوین سوسیالیستی به هم میهنان خود نمود. شایان توجه است که در این شرایط، وقایعی در جهان به وقوع پیوست که بدون تردید موجب تقویت روحیه انقلابی ایرانیان مقیم ایالات قفقاز و همچنین اعضای سازمان "همت" شد. ناکامی امپراطوری انگلیس در تسخیر کامل کشور آفریقای جنوبی ، شکست روسیه تزاری از کشور ژاپن و از همه مهمتر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه ، بخش مهمی از وقایع سال های آغازین قرن بیستم بود که بنا به نظر بسیاری از مورخین ایرانی از جمله احمد کسروی

در شکل گیری و گسترش انقلاب مشروطیت ایران نقش بسزایی داشتند و در بستر چنین شرایطی بود که موسسین سازمان "همت" موفق شدند که بخش بزرگی از روشنفکران و کارگران ایرانی را که در آنزمان در شهرهای قفقاز مشغول تحصیل ، تدریس و کار بودند به عضویت سازمان خود در آورند.

دست اندرکاران و اعضای فعال سازمان "همت" با جناح بلشویک حزب سوسیال-دمکرات کار روسیه به رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین رابطه تشکیلاتی داشتند و به فعالین بلشویک کمکهای فراوانی میکردند. یکی از این کمک ها نقل و انتقال نشریات به ویژه نسخه های روزنامه "ایسکرا" (اخگر) ۶ ، ارگان رسمی آن بود که در اروپا در شهرهای لایپزیک ، مونیخ و وین چاپ و از راه تبریز به باکو و دیگر نقاط روسیه تزاری می رسید. در آن زمان روزنامه "ایسکرا" که لنین نشر آن را برای تشکیل و تقویت یک حزب طراز نوین کارگری امری ضروری می دانست، توسط خودش و همسرش نادیا کروپسکیا در شهرهای آلمان و اتریش چاپ و به وسیله بلشویک ها از طریق کشورهای همجوار ایران به تبریز ارسال می شد و فعالین سازمان "همت" در شهر تبریز که مدتی بعد حزب سوسیال - دمکرات (فرقه اجتماعیون - عامیون) ایران را تاسیس کردند ، نسخه های "ایسکرا" را به باکو می رساندند. به طوری که از مکاتبات دست اندرکاران و خبرنگاران "ایسکرا" مشاهده می شود. این کار بسیار مهم را لنین و کروپسکیا نظارت می کردند. در نامه ای که کروپسکیا در بهار ۱۹۰۱ از سوییس به مسئول این کار در حاجی طرخان (هشترخان) نوشته است تاکید می کند:

"از طریق ایران چهار بسته فرستاده شد..... چگونگی را اطلاع بده ، سرعت حمل مطبوعات تا چه اندازه است؟ دانستن این موضوع اهمیت دارد تا بدانیم آیا این راه برای ارسال شماره های "ایسکرا" هم بدرد خور است یا اینکه تنها جزوات را از این راه میشود حمل نمود. آنچه میدانی بنویس. " از محتوای این نامه چنین پیداست که تا آن موقع جزوه هایی از راه ایران به روسیه تزاری ارسال می شد و لنین و یارانش در صدد بوده اند که روزنامه "ایسکرا" را نیز از این راه به داخل روسیه بفرستند. لنین در پاسخ به نامه گالپرین (مسئول روزنامه "ایسکرا" در باکو) که دیر رسیدن مطبوعات ارسالی را دلیل نامناسب بودن این راه می دانست چنین می نویسد:

" مدت زیادی نیست که ما از وین به ایران مراسلاتی ارسال داشته ایم و اظهار نظر در این باره عجولانه خواهد بود. ممکن است توفیق حاصل شود. به گیرنده در تبریز اطلاع دهید که او از برلین کتاب دریافت خواهد کرد و هنگامی که دریافت کرد رسید آن را به ما بنویسید."

از مجموعه این مکاتبات و اسناد دیگر در می یابیم که تبریز در سال های اول قرن بیستم (۱۹۰۳-۱۹۰۱) نقش مهمی در نقل و انتقال نشریات انقلابی مارکسیست های طرفدار لنین از اروپا به روسیه تزاری داشته است . گفتنی است که در این دوره فقط سوسیال-دمکرات های تبریز متشکل در سازمان "همت" نبودند که با سوسیال - دمکرات های روسی طرفدار لنین همکاری های نزدیک داشتند. آزادیخواهان انقلابی در شهرهای دیگر ایران نیز برای افشای دستگاه مستبد حاکمیت و برای رشد یابندگی آگاهی مردم با انقلابیون روسیه در ارتباط بوده و از آنها کمک می گرفتند. از یادداشت های محمد علی تربیت چنین پیداست که مقالات روزنامه معروف مخفی "روزنامه غیبی" توسط نویسندگان آن روزنامه ، جمال واعظ، نصراله ملک المتکلمین ، شیخ احمد کرمانی و در اصفهان نوشته و تنظیم می شد و به شهر پتروگراد (پترزبورگ و سپس لنینگراد) ارسال و پس از چاپ شدن برای توزیع به اصفهان پس فرستاده می شد. تا آنجا که اطلاع در دست است ، اثر معروف "رویای صادق" به قلم ملک المتکلمین، جمال واعظ و احمد کرمانی نیز برای اولین بار در شهر پتروگراد در سال ۱۹۰۳ در چاپخانه "الیاس میرزا و شرکا" انتشار یافته و نسخه های آن برای توزیع به اصفهان فرستاده شده است. با اینکه انتشار "روزنامه غیبی" در اصفهان بیشتر از چند شماره دوام نیاورد ولی با نگاهی به محتوای آن نشان می دهد که نویسندگان نشریه به همکاری های خود با انقلابیون روسیه ارج نهاده و در نوشته هایشان از حمایت بلشویک ها به ویژه لنین، به نیکی یاد می کنند. ملک المتکلمین که پس از پیروزی انقلاب مشروطیت به طور مرتب در روزنامه معروف "روح القدس" مقاله می نوشت پیوسته اظهار اطمینان می کرد که به زودی انقلاب در روسیه نیز پیروز خواهد شد.

بیشتر اعضای سازمان "همت" و دیگر آزادیخواهان ایرانی با لنین و یارانش روابط نزدیکی داشتند و بدیهی است که پس از اینکه لنین و طرفدارانش از حزب سوسیال - دمکرات کار روسیه انشعاب کرده و



چنین میخوانیم:

"پس از آمدن به میهنان، مردم برهنه، گرسنه و ستمکش نظیر خودتان را گرد آورید، به آنها مژده دهید که طبقه کارگر روسیه بپا خاسته است. به همشهری های کارگر بگوئید که رفقای روس به آنها درود میفرستند، به آنها اطمینان دهید که اگر راه رفقای اینجا را پیش گیرند و بخواهند از یوغ استبداد رهایی یابند، اگر خواسته باشند حقوق انسانی خود را بکف آورند و نفسی به آزادی بکشند، آنگاه است که رفقای روسیه پرچم خود را به یادگار به آنها خواهند سپرد. بگذار مردم تحقیر شده و فقرزده کارگر شعار ما را روی پرچم بخوانند: "رنجبران روی زمین متحد شوید". بگذار بخوانند متحد شوند."

بسیاری از کارگران پس از بازگشت به ایران به فرقه "اجتماعیون - عامیون ایران" که توسط اعضای فعال سازمان "همت" در شهرهای مختلف ایران به وجود آمده بود، پیوستند و در سال های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۶ - ۱۹۰۸ میلادی) در انقلاب مشروطیت شرکت فعال داشته و اولین اتحادیه های متشکل کارگری را در ایران پایه ریزی نمودند.

پی نویس ها

۵- طبق گزارش میرزا حسین خان تحویلدار، نویسنده کتاب "جغرافیای اصفهان" در دوره سلطنت فتحعلیشاه، شهر اصفهان دارای ۱۲۵۰ کارگاه بزرگ و کوچک شعر بافی(نساجی) بود که در دوره محمد شاه به ۴۸۶ کارگاه و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه به ۲۴۰ کارگاه و در سال ۱۲۹۴ هجری قمری (سال های آغازین قرن بیستم) به ۱۲ کارگاه شعر بافی کاهش یافت.

۶- روزنامه "ایسکرا" (جرقه یا اخگر) اولین نشریه مارکسیستی به زبان روسی است که توسط لنین و یارانش در تبعید انتشار می یافت. شماره نخست آن در ۱۱ دسامبر ۱۹۰۰ در شهر لایپزیک (آلمان)، شماره های بعدی آن در شهر مونیخ (آلمان)، از اوایل سال ۱۹۰۲ در شهر لندن (انگلستان) و از اوایل سال ۱۹۰۳ در شهر ژنو (سوئیس) به چاپ میرسید.

۷- جعفر ناطق و عظیم عظیم زاده مدتی بعد در انقلاب مشروطیت شرکت کرده و پس از کودتای محمد علیشاه و استقرار "استبداد صغیر" در سال ۱۲۸۷ (۱۹۰۸ میلادی)، به ترتیب در خوی و زنجان توسط قزاقان و کودتاگران به دار آویخته شدند. غفارزاده

جناح بلشویک حزب را به وجود آوردند، به همکاری های خود با بلشویک ها بیش از پیش افزودند. البته در میان اعضای فعال سازمان "همت" افرادی هم بودند که با اینکه سوسیالیست بودند ولی با جناح بلشویک ها اختلاف داشتند و معروف ترین سوسیالیست ایرانی غیر بلشویک که در سازمان "همت" فعالیت داشت محمد امین رسول زاده بود که مدتی بعد در سال ۱۹۰۹ دز آغاز دوره دوم انقلاب مشروطیت به ایران بازگشت و در ایجاد "حزب دمکرات ایران" و انتشار ازگان رسمی آن حزب به نام "ایران نو" نقش برجسته ای ایفا کرد.

میرزا جعفر ناطق حسین زاده از شهر خوی، عظیم عظیم زاده از شهر زنجان، میرزا اسدالله غفارزاده، سلیمان میرزا محسن اسکندری از دیگر روشنفکران ایرانی بودند که در این دوره در سازمان "همت" فعالیت داشتند و با آن سازمان همکاری می کردند. ۷. اعضای فعال سازمان "همت" به جز همکاری با جناح بلشویک سوسیال - دمکرات های روسیه، در شورای کارگران شهر باکو نیز نماینده داشتند. آنها بعد از عضوگیری و سازماندهی کارگران ایرانی در باکو و دیگر شهرهای ایالات قفقاز آنها را در ارتباط تشکیلاتی با کارگران باکو قرار می دادند، در نتیجه بدیهی بود که سوسیال - دمکرات های بلشویک به ویژه بلشویک های قفقاز تجارب فعالیت کارگری خود را در اختیار کارگران ایرانی قرار داده و آنها را با اندیشه ها و کنش گری انقلابی مجهز می ساختند. نریمان نریمان اوف ۸ یکی از بلشویک های باکو بود که در این دوره از طریق سازمان "همت" به کارگران مهاجر ایرانی کمک های فراوانی کرد.

در آستانه انقلاب مشروطیت حدود پنج درصد مجموع کارگران موسسات ایالات قفقاز (آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) و پنجاه درصد کارگران نفت باکو را کارگران ایرانی تشکیل می دادند. بیشتر این کارگران در جنبش های کارگری این نواحی که تحت رهبری بلشویک ها سازماندهی می شدند، شرکت فعال داشتند. سال ۱۹۰۵ در دوران انقلاب مشروطیت، اعتصابات بزرگ و مستمری در بخش های مختلف صنایع نفتی باکو رخ داد که منجر به سرکوب و اخراج های دسته جمعی کارگران شد. تعداد زیادی از کارگران ایرانی مجبور به ترک کار و بازگشت به ایران شدند. در یکی از پیام های جلیل محمد قلی زاده مدیر مجله "ملانصرالدین" که مدتی بعد (در سال های ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸) در ایران به شهرت رسید،

در نقل و انتقال روزنامه "ایسکرا" از راه تبریز - اردبیل به باکو نقش مهمی داشت و در سال ۱۲۰۴ خورشیدی (۱۹۰۵ میلادی)، عضو حزب سوسیال - دمکرات ایران شد و در سال ۱۹۱۷ از موسسین حزب عدالت و سپس در سال ۱۹۲۰ به رهبری حزب کمونیست ایران رسید. او چند ماه پس از رسیدن به رهبری حزب، عازم گیلان گشت تا با میرزا کوچک خان رهبر نهضت جنگل برای شرکت در انقلاب گیلان مذاکره کند ولی به طور مرموزی در راه بازگشت به قتل رسید. میرزا محسن اسکندری در سال های انقلاب مشروطیت ایران حضور فعال داشت و در دوران جنگ جهانی اول و پس از آن موفق به ایجاد حزب سوسیالیست ایران گشت که در بخش های بعدی این نوشتار به تفصیل در باره روند تشکیل و تکوین آن حزب به ویژه در دوره عروج رضا شاه و کسب قدرت سیاسی در سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ خورشیدی، شرح داده خواهد شد. وی پس از خلع و تبعید رضا شاه و تاسیس حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ خورشیدی به مقام دبیر اول آن حزب انتخاب شد.

۸- نریمان نریمان اوف، رهبر "حزب سوسیال - دمکرات کار روسیه" در باکو بود و برنامه سیاسی آن حزب را به دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی ترجمه کرده است و بخشی از مفاد آن را در برنامه سیاسی سازمان همت نیز ادغام کرد. او در دوره یک ساله "استبداد صغیر" محمد علیشاه با بسیج و گسیل بخشی از کادرهای با تجربه حزب سوسیال - دمکرات کار روسیه از باکو به ایران، کمک های موثری به مشروطه طلبان کشور ایران نمود. نریمان اوف دارای آثار بسیاری از وقایع تاریخ ایران از جمله نمایشنامه های حماسی و تاریخی "کاوه آهنگر"، "نادر شاه افشار" و "آغا محمد خان قاجار" است.





در جنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

موقعیت سیاسی ایران... بقیه از صفحه آخر

نظامی به طور مشترک توسط ارتش، پلیس و نیروهای شبه نظامی به ویرانه تبدیل شده اند. تانک ها و توپخانه سنگین، دیوارهای شهرستان دیاربکر را که رسماً به عنوان یک میراث جهانی یونسکو ذکر شده آسیب زده اند. مسجد پانصد ساله کورشونلو، مسجد تاریخی حسیرلی Hasirli، کلیسای مریم عزرا (۱۷۰۰ ساله)، کلیسای تاریخی Giragos و کلیساهای پروتستان در میان آن اماکن تاریخی هستند که یا نابود شده اند و یا با اجرای حکومت نظامی غیر قابل استفاده می باشند.

یک صد و هفتاد و هشت جسد تا کنون از "زیرزمین های توحشی" در منطقه سیزره شرناق جمع آوری شده است. با این حال زمانیکه از اعضای خانواده آنان خواسته شد تا اجساد را شناسایی نمایند، گزارش شد که اجساد سوخته شده غیر قابل شناسایی می باشند. علاوه بر این، اجساد را به عمد به دیگر شهرستانهای مختلف در ترکیه برای انجام کالبد شکافی منتقل کردند، که به نوبه خود درد و رنج اعضای خانواده آنان را تشدید نمایند.

ما هیچ انتخاب دیگری نداریم جز آنکه از وقوع یکی دیگر از قساوت های مشابه در سور جلوگیری نماییم. حکومت نظامی در سور می باید بلافاصله برچیده و لغو شود. این تنها راه برای جلوگیری از وقوع قتل عام سیزره می باشد که شقاوت، در مقابل چشمان بی تفاوت انظار جهان اتفاق افتاده است. محاصره نظامی باید برداشته شود تا افرادی که جانشان در خطر است بتوانند با خیال راحت خارج شوند. تمام آنکه در حال حاضر در سور اتفاق می افتد، و تمام آنکه در روزهای آینده اتفاق می افتد، یک موضوع انسانی و کرامت انسانی است.

الزاماً بازیگران سیاسی و مردم در صحنه بین المللی در حفظ ثبات ترکیه و منطقه نقش دارند. در مواجهه با حوادثی که به تازگی در ترکیه اتفاق می افتند، داشتن موضع روشن در امتداد محور آزادی، صلح و دموکراسی این امر به یک نیاز فوری مبدل شده است. ما همه نهادها و مجامع دموکراتیک در صحنه ملی و بین المللی را برای عکس العملی یکپارچه علیه بحران جاری سیاسی و انسانی در سور و در همبستگی با مردم سور فرا می خوانیم.



رژیم ترکیه به دوره خلیفه گری عثمانی چشم دوخته است و پادشاهان عربستان سعودی خواب حاکمیت صدر اسلام را می بینند، سیاست هائی که با منافع اقتصادی و امپریالیستی برای بجان هم انداختن دولت های بزرگ خاورمیانه، همخوانی دارد. براه انداختن جنگ شیعه و سنی، جنگ اشغالگرانه صهیونیست ها علیه مردم فلسطین، پر وبال دان به دارو دسته های اسلامی با تفکرات قرون وسطائی شان، منافع گروه های معظم سرمایه داری که در همه جای دنیا چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی و نظامی در حال رقابت افسار گسیخته ای برای تسلط بر این کره خاکی هستند، را تامین می کنند.

صحنه سیاسی و نظامی خاورمیانه حکایت آن گرگ های گرسنه ای را دارد که در نبود غذا در سرمای زمستان به دور هم حلقه می زنند و منتظر اولین قربانی از بین خود ناشی از ضعف شدیدتر می مانند تا آنرا بدرند. در دور جدید جنگ های خاورمیانه که با پایان جنگ ایران و عراق و اشغال کویت و سپس "بهار عربی" که شروعش با خزانی بس مشکوک همراه بود آغازیدن گرفت. امپریالیست های موقعیت هائی را پیدا کردند که با بهره گیری از نفرت مردم کشورهای خاورمیانه از دولت هایشان سمت گیری این حرکت ها را تغییر داده و یا با دخالت در آنها، حرکات و جنبش های مردمی و مترقی را از میدان بدر کرده و سیاست ها و نیروهای خود را میدان دار معرکه خاورمیانه کنند. در هرج و مرجی که ناشی از دخالت در سقوط رژیم عراق و لیبی و تونس بوجود آمد و اعتراضات توده ای در مصر سر بلند کرده و بسیاری از کشورهای خاورمیانه و افریقائی را در بر گرفت هر نیروی قدرتمندی آتش بیار معرکه ای شد که منافع خود را تامین کند. به همین دلیل خاورمیانه و بخشا شاخ آفریقا ناگهان به بشکه ای از باروت تبدیل شد و حرکات اعتراضی سریعاً به جنبش مسلحانه و جنگ داخلی تبدیل شدند.

هدف استراتژیک کشورهای امپریالیستی از این دخالتگری های، خرد کردن کشورهای بزرگ خاورمیانه و تجزیه آنها به کشورهای بسیار کوچک برای کنترل بر اقتصاد و منابع زیرزمینی آنها و پایه ریزی نفرت های قومی و طایفه ای و کشوری و کلاً همه علیه هم در خاورمیانه، ایجاد سپر دفاعی سیاسی- نظامی علیه رقبا و کوتاه کردن دست آنها در

این رقابت هاست. برخی از این سیاست ها با موفقیت نسبی همراه شد. پی آمد های این سیاست های بیرون راندن نیروهای رقیب و بویژه چین و روسیه از خاورمیانه و شاخ آفریقا و تقسیم مجدد آنها بین اتحادیه اروپا و آمریکا خواهد بود که البته تازگی نداشتند. تنها موقعیت جدید چین و روسیه بود که مانع پیشرفت سیاست های قدرت های غربی در خاورمیانه و شاخ آفریقا می شد و در آینده نزدیک خواهد شد. در موقعیت جدیدی که نیروهای نوظهور اقتصادی که دربریکس و کنفرانس شانگهای متشکل هستند، فقط رقابت و برتری نظامی به صف بندی قدرت های رقیب محدود نمی شود، کنترل تمام هسته های اجتماعی از جمله بازارهای بورس، بانکها، شرکت های فراملی، منابع طبیعی، دولت ها، اطلاعات، و اینترنت و فضای مجازی، فرهنگ سازی و خلق آثارهای هنر امپریالیستی و ارتجاعی و... علیه رقبای گلوبال می باشد. در این رقابت پیچیده و خونین سرمایه داری جهانی نیروهای رقیب دست به سازماندهی گروه های متحد و هماهنگی سیاست هایشان با آنها علیه دیگران زده اند. این اوضاع به برخی از دولت های مرتجع کشورهای پیرامونی امکان بسیار کمی برای مانور بین نیروهای معظم سرمایه داری نیز را باز کرده است. و سیالیت سیاسی در عین اینکه بطرف کم شدن است ولی همچنان وجود دارد که این یکی از مشکلات نیروهای بین المللی علیه یکدیگر است.

وضعیت سیاسی خاورمیانه از وضعیت سیاسی کلی جهان کنونی جدا نیست آنچه که به خاورمیانه ویژگی در این اوضاع می دهد موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی این است که باعث تمرکز تضادهای امپریالیستی در آن شده است، منابع وسیع نفت، بازارهای وسیع اقتصادی، بر سر راه سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا بودن و بالاخره موقعیت ضعیف دول خاورمیانه ناشی از نفرت توده ای علیه شان در کشور خود. روشن است پیروزی هر قطب امپریالیستی تبعاتی فراتر از محدوده خاورمیانه خواهد داشت. بطور مثال سقوط رژیم سوریه می تواند وضعیت ایران را دچار ناآرامی سیاسی نظامی کرده و گروه های فاشیستی اسلامی نوع داعشی را به مرزهای چین و داخل روسیه گسیل نماید. موقعیت بوجود آمده در طی ۲۰ سال گذشته به رژیم جمهوری اسلامی ایران فرصت ها و نگرانی های متعددی را داده است. به همین دلیل از سال ها پیش بویژه پس از جنگ ایران و عراق بودجه



مبارزه علیه ارتجاع از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

های عظیمی را به بازسازی نیروهای نظامی و دسترسی به تکنولوژی های نظامی مدرن اختصاص داد. تا بتواند در آینده به سرنوشت لیبی و عراق و سوریه و افغانستان دچار نشوند. ولی با این حال رژیم اسلامی نمی تواند مانند دوران قبل بطور آشکار موقعیت نظامی خود را در سوریه و عراق جلو ببرد.

نکاتی که ایران را برای کشورهای غربی مطلوب می کند بخشی ناشی از سیاست های ایران است. از جمله تقویت اسلام گرایی نوع شیعه، رشد و گسترش میلیتاریسم، سرکوب جنبش های مترقی داخلی و در پیش گیری سیاست ضد کمونیستی، و از طرف دیگر ساختاری سنتا وابسته به غرب و نفت اقتصاد ایران می باشد. کشورهای غربی در حوادث اخیر خاورمیانه نشان دادند که مدافع اسلام و آنها از نوع فاشیستی ترین آن هستند و هیچ مشکلی با اسلام و دولت های بنیادگرا از حزب الله تا داعش و طالبان و عربستان و ایران ندارد. از طرفی ایران یکی از بزرگترین کشورهای خاورمیانه سطح تولید بالای نفت، سرزمین های وسیع، کشوری پر جمعیت با یک دولت متمرکز بوروکراتیک - نظامی و در عین حال یکی از بازیگران صحنه جنگ های نیابتی خاورمیانه است. و در برخی کشورهای منطقه دارای نفوذ مذهبی سیاسی و بخشا محدود نظامی، کشوری که بر نیمی از خلیج فارس احاطه دارد. این مشخصات باعث شده است که نقش دولت جمهوری اسلامی با امکانات زیر دستش در خاورمیانه همیشه مورد بهره گیری کشورهای بزرگ جهان از آمریکا، چین و روسیه تا اروپا قرار گیرد. چین به بازار فروش کالاهای تجاری، روسیه به بازار اسلحه و اروپا به بازار تکنولوژی ایران چشم دوخته و در آن فعال هستند. بهر حال ایران لقمه بزرگ و چرب ولی نرمی نیست که براحتی از گلو پائین رود.

بزرگی اقتصاد ایران و استراتژیک بودن موقعیت استراتژیکی جغرافیائی آن و رقابت های بین المللی و منطقه ای مفری برای تحرکات سیاسی ایران در منطقه خاورمیانه باز کرده است که بازتاب کل روابط خارجی و داخلی، در دولت ایران و جناح های درونی آن خود را نشان می دهد. تحرکات سیاسی رژیم اسلامی در خاورمیانه که از اشتباهات هژمونی طلبانه آن ناشی می شود در بسیاری از موارد در سیاست بین المللی "پا را از گلیم فراتر گذاشتن" بوده است که پی آمدهای خود را نیز داشته است. مسئله هسته

ای، پیدا کردن پایگاه دریائی در جیبوتی و متحد شدن با دولت اسلامی سودان نمونه هائی هستند که جمهوری اسلامی با خرج های کمرشکن، ولی با سرافکندگی از آنها عقب نشست. تجربه تحریم های اقتصادی علیه ایران نشان داد که جمهوری اسلامی هر فشاری اعم از سیاسی و اقتصادی را فوراً بر دوش کارگران و زحمتکشان انداخته و دستگاههای بوروکراتیک - نظامی رژیم آخرین عناصری هستند که از کمبودهای بازار ضرر می بینند. بطور نمونه در سال های گذشته وقتی مسئله افزایش دستمزدها مطرح می شد دولت بطور دائم تحریم ها و عدم کارائی و تحرک اقتصادی را بهانه می آورد ولی در همان زمان بودجه های نظامی و دستگاههای انگلی مثل شورای نگهبان و غیره بصورت تصاعدی افزایش می یافت.

در موقعیت سیاسی جدید ایران بعد از مسئله برجام، دست ایران در برخی زمینه ها برای تحرک اقتصادی بازتر شده است ولی این به هیچ وجه به مفهوم بهتر شدن وضعیت اقتصادی کارگران و زحمتکشان نیست، کسادی شدید بازارهای خرید در روزهای پایانی سال ۹۴ و جشن نوروز ناشی از شرایط اسفناک اقتصادی و گسترش فقر، نبود کار و عدم امنیت شغلی و گسترش دستفروشی، بیکاری گسترده حتی بین تحصیلکرده گان جامعه نمونه هائی از وعده های رژیم اسلامی برای بهبود وضعیت مردم طی ۳۶ سال گذشته است. آیا با تغییر موقعیت سیاسی رژیم و باز شدن درهای اقتصادی ایران بسوی غرب و بانک جهانی، و هجوم شرکت های اروپائی و کاهش تنش های سیاسی نظامی با کشورهای منطقه، رژیم اسلامی تغییری در موقعیت سیاسی داخلی خود نسبت به مردم و خواسته هایشان، خواهد داد؟ تجربه کارگران و زحمتکشان، زنان و روشنفکران، دانشجویان و نویسندگان دقیقاً عکس آنرا نشان میدهد.

کم شدن تنشجانات سیاسی و نظامی خاورمیانه در شرایطی که هژمونی طلبی و رقابت و جنگ بخشی تنیده درسیستم امپریالیستی است. مقطعی و خاورمیانه برای دور دیگری از رقابت ها و جنگ های نیابتی آماده خواهد شد.

ع.ع

پرسش ها و پاسخ ... بقیه از صفحه آخر

باشد. در واقع، هیچ تئوری توطئه در این جا در کار نیست.»

کاپوتی، یک نویسنده کوبائی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ برای وزارت اطلاعات کوبا به عنوان عامل دو طرفه در سازمان سیا مشغول فعالیت بود. آمریکائی ها می خواستند که او دست به ایجاد «یک نوع اپوزیسیون جدید» بزند که بتواند بعد از خروج یا مرگ فیدل کاسترو در کشور «انقلاب نرم» به راه بیاندازد تا رژیم کمونیستی را سرنگونی کند. **(توجه کنید این کوبائی ها چقدر باهوش و زیرک بودند و همیشه چند قدم از آمریکائی ها جلو تر بودند- مترجم)**

هرچند انقلاب در نظر گرفته شده که «نرم» صورت گیرد، اما با توجه به ۱۹۸۸ نوع از روشهای «غیر خشونت آمیز»، که توسط جین شارپ تصریح می گردد، به منظور اقدامات غیر قانونی مثل یک «شورش» علیه ساختارهای دولتی است.

کاپوتی اظهار می دارد، «ایده جنگ غیر خشونت آمیز پایه های دولت مربوطه را تضعیف می کند تا زمانی که دولت همین کشور کنترل اوضاع را از دست می دهد.» نقشه کار یا نیت بر این است که دولت مربوطه را از درون منفجر کند تا هرج و مرج ایجاد گردد. نویسنده کوبائی معتقد است، به محض اینکه یک کشور در هرج و مرج غوطه ور گردید، اقدامات مفرط بیشتری را می توان تدبیر کرد. براساس اظهار رائل کاپوتی، سازمان جاسوس "سیا" از این تکنیک در ونزوئلا، ایران و لیبی استفاده کرد و هنوز هم در نقاط مختلف جهان از این فن آوری استفاده می کند.

در سال ۱۹۸۶، سازمان "سیا" رائل کاپوتی را که ۲۰ ساله بود و به عنوان یکی از اعضای سازمان جوانانی که متعلق به شاعران، هنرمندان و نویسندگان شهر کینفوکس بود، سخت تحت نظر گرفته شده بود.

کاپوتی توضیح می دهد، «اولین کسی که نزد ما آمد، روزنامه نگار مستقلی از مجله مچ دنیس رایکلر بود. او برای ما یک بت روزنامه نگاری ورزشی بود.

این مرد روزنامه نگار «ما را در سازمانهای غیر دولتی گرد هم آورد، که احتمالاً علاقمند ایجاد صندوقی از پروژه های هنری در کوبا بود که برای ما به ارمغان آورده بود.»

سازمان سیا موفق به تمایز بین نگرش انتقادی کاپوتی نسبت به دولت و تنفر از



من خواست تا رسماً مقابل مردم سازمان سیا را محکوم کنم. «
پس از آن، ما شاهد بحران در اوکراین و آرژانتین بودیم. اگر کسی در میان خوانندگان ما به این باورند که در روسیه امروز هیچ جدال فرهنگی وجود ندارد، این افراد در اشتباهند. ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که جاسوس دوطرفه نیز در آنجا وجود دارد.

1 - Applied Nonviolent Action and Strategies (CANVAS)
2 - George Soros



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

برآوردهای سازمان سیا، اگر فقط یکی از هر ده نفر دانشجو فعال اپوزیسیون سیاسی بشود، مأموریت موفقیت آمیز در نظر گرفته می‌شود.

نویسنده در سال ۲۰۰۶، خاطرنشان می‌سازد که اولین تلاش برای «منفجر کردن دولت» ترتیب داده شد. «در روز ۱۳ اوت ۲۰۰۶، یعنی روز تولد فیدل کاسترو، من قرار بود جرقه قیام را در هاوانا به راه ببندازم، و همه را به اعتراض علیه انتقال قدرت به رائل کاسترو فرا خوانم.» «قرار بر این بود که من بگویم کشور در هرج و مرج بسر می‌برد و ایالات متحده برای متوقف ساختن نقض حقوق بشر می‌بایست دخالت کند.» کاپوتی اظهار داشت، اما، این طرح ناکام از آب درآمد، و مردم به خیابانها نیامدند. او به آمریکائی‌ها توضیح داد که مردم کوبا هنوز آمادگی برای این کار ندارند، چرا که آزادی بیان و آزادی اینترنت در کشور وجود ندارد.

«پس از آن، ما با مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین ابزار کار مجهز شده بودیم و برای استفاده از آخرین فن‌آوری آموزش دیده بودیم. در سال دوهزار و هفت، من یک دستگاه ارتباطی در یافت کردم که از طریف ماهواره به وزارت دفاع آمریکا متصل شده بود بطوریکه قابل شنود نبود. من از این دستگاه برای تماس با رئیس مربوطه در واشنگتن استفاده می‌کردم.»

در واقع، پس از تغییر دولت، همه چیز به بخش خصوصی واگذار خواهد شد، از جمله بهداشت و درمان و امنیت اجتماعی و بلافاصله بعد از آن سیاستهای ریاضتی اعمال خواهد شد.

آنها به من گفتند که بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و جامعه کوبائی در خارج کشور از بازسازی جامعه کوبا حمایت خواهند کرد.

نویسنده کوبائی گفت، «این یک بازی بسیار جالب شطرنج بود. من می‌بایست آنها را قانع می‌کردم که تاکتیک‌های آنها کاریست. نویسنده کوبائی گفت، انجام این کار بسیار دشوار بود.» او اضافه کرد، «این پروژه دارای معایب بسیاری بود. آنها فکر می‌کردند که انقلاب در گرو یک فرد است. به من باور داشته باشید که این فیدل کاسترو نبود که انقلاب را به ثمر رساند. اشتباه دیگر آنها این بود که فکر می‌کردند مردم کوبا ساده‌اندیش و بی‌تکلف هستند.»

کاپوتی خود را در سال ۲۰۱۰، زمانی که جنگ داخلی در لیبی آغاز شد، از این بازی خلاص کرد. کاپوتی گفت: «دولت کوبا از

فیدل کاسترو نشد. هنگامیکه سرویس‌های امنیتی کوبا به رائل پیشنهاد مسئولیت خبر چینی را دادند، او قبول کرد. در سال ۱۹۹۴، او اتحادیه صنفی فرهنگی با بیش از ۴۰ هزار نفر را به عهده داشت. «این شرایط مرا حتی جالب‌تر برای سازمان سیا کرده بود، چنانچه من رهبر اتحادیه‌ای بودم که تقریباً تمام فعالین فرهنگی، هنرمندان، موسیقی‌دانان و نویسندگان را گرد هم آورده بود. این یک اتحادیه بسیار قوی بود.»

کاپوتی سازمان سیا را از شیوه زندگی و فعالیت جوانان کوبائی مطلع می‌ساخت. او اظهار داشت، «به من توصیه شده بود چه اطلاعاتی را باید ترویج کنم.» این فرآیند برای سالیان طولی قبل از سال ۲۰۰۴ ادامه یافت تا کاپوتی نامنویسی کرد.

«در سال ۲۰۰۴، سازمان سیا مرا به منظور وظیفه خاصی به خدمت گماردند. وظیفه من تبلیغ و ترویج یک جنگ فرهنگی بود، یک جنگ در دنیای شیوه‌های تفکر و اندیشه. ما معمولاً از عبارات پیچیده برای تعریف این نوع جنگ استفاده می‌کنیم، به عنوان مثال، براندازی سیاسی و ایده ئولوژیک، اما آنها آنرا به سادگی «جنگ فرهنگی» می‌نامند.

«سازمان سیا کنترل کامل بر رسانه‌های جمعی و پیشه‌و هنر فرهنگی در ایالات متحده و سراسر جهان را دارد.» من وجود این واقعیت را کشف کردم، این یک تئوری توطئه نیست، هم‌چنانکه بعضی‌ها اعتقاد دارند.» نیت یا نقشه کار آنها «ایجاد اپوزیسیون جدیدی» است که باید در دانشگاه‌ها و مؤسسات شروع به رشد کنند آنها این کار را از طریق یک سیستم کم‌های ماتی انجام می‌دهند، یعنی اعزام دانشجو برای تحصیل تحت برنامه‌هایی که حامل نام‌های مطلقاً بی‌گناهی می‌باشد. به عنوان مثال، آنها می‌توانند یک نویسنده را به اورشلیم برای یک دوره آموزشی در مورد تاریخ اسرائیل بفرستند، اما به این دانشجو با سخنرانی‌های متعدد آموزش سرنگونی رژیم‌های ناخواسته را به طریق غیر خشونت آمیز آموزش داده می‌شود.

کاپوتی می‌گوید: «تعدادی از رهبران کشورهای جهان که امروز در این برنامه‌ها دست دارند قابل توجه می‌باشد.»

او اشاره کرد که چنین دوره‌ها در مؤسسه البرت اینشتین آموزش داده می‌شود، یعنی مرکز صربستان برای استراتژی بکار برده شده به منظور اهداف غیر خشونت آمیز (۱) و مؤسسات دیگر که توسط جورج سوروس (۲) ایجاد شدند. براساس

در جنبش جهانی کمونیستی

**جلوگیری از قتل عام در شهرک سور
Sur! در ترکیه**
توسط HDP، ۲۰۱۶ مارس ۱ برگرفته از
ایکور

در سراسر ۵۸ قانون منع رفت و آمد اعمال شده در چند محله از ۲۱ ناحیه از ۷ استان کردستان، ۲۹۰ نفر از شهروندان تا کنون جان خود را از دست داده اند. حکومت نظامی و محاصره در منطقه سور دیاربکر، که توسط استانداری دیاربکر اعلام شده، وارد ۹۱ امین روز خود از تاریخ امروز شده که مطلقاً هیچ پایه و اساس حقوقی و

قانونی در ۲ دسامبر سال ۲۰۱۵ ندارد. بیست و چهار نفر از شهروندان محلی در طول این مقررات حکومت نظامی و خاموشی در ساعت معین شب و منع رفت و آمد، زندگی خود را از دست داده اند. تعداد تلفات فقط شامل کسانی میشود که قابل شناسایی بوده اند.

برای قرن ها، منطقه سور، قلب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی دیاربکر بوده است. حکومت نظامی اعمال شده در منطقه به درجه محاصره نظامی، و در نقض آشکار حقوق اساسی و آزادی و مسئولیت

های دولت ملت، مندرج در قانون اساسی، مانند حق زندگی، حق بهداشت، حق آموزش و حق مسافرت می باشد. زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سور Sur به حالت ایست در آمده. بدون برق و آب در خانه و بدون خدمات اساسی مانند داروخانه ها و نانوائی ها در خیابان ها. تحت این شرایط سخت و همگی زیرانظار جهانی - کودکان، زنان و افراد مسن یک به یک جان خود را از دست میدهند. حتی اماکن عمومی تاریخی و مقدس که میراث فرهنگی و دینی مشترک بشریت بشمار میرود، طی حکومت

موقعیت سیاسی ایران در خاورمیانه

خاورمیانه در میان شعله های جنگ های نیابتی، ملی، طبقاتی و حتی عشیرتی به صحنه نابودی انسان ها اعم از نظامی و غیر نظامی، زنان و کودکان بی دفاع، شهرها و محله ها، مزارع کشاورزی، انهدام صنایع و طبیعت تبدیل شده است. تقریباً تمامی کشورهای خاورمیانه بطور مستقیم و یا غیر مستقیم درگیر در جنگ های منطقه ای هستند. بعلاوه نه تنها دولت های خاورمیانه بلکه کشورهای امپریالیستی، در کنار هم به کمک سازمان های اطلاعاتی پول و اسلحه

و تکنولوژی، و تحریک افکار عمومی، صفی بشدت ضد انقلابی را که در درونش پر از رقابت های کور شقاوت و سنگدلی هیتلر گونه است را سازماندهی کرده اند و علیه انقلاب و بشریت مترقی و جامعه انسانی با تمام نیرو ایستاده اند. صفوف و کشورهایشان روشن است از آلمان و فرانسه دموکرات تا آمریکای مهد تمدن و عربستان و شیخ نشینی های خلیج فارس، و اسلام گراهای ایرانی، حزب الله و طالبان و القاعده و بوکو حرام و اما متحد

در غارت کشورهای خاورمیانه و نیز بالا کشیدن پول کشورهای نفت خیز. متحد در به ویرانی کشیدن جوامع انسانی علیه حکومت های مخالف آمریکا و اروپای غربی. اوضاع سیاسی به نحوی چیده شده است که عربستان و ایران و ترکیه هر کدام خواب دوران های "طلائی" گذشته که سرزمین های وسیعی را در اختیار داشته اند می بینند، حکومت ایران خواب فلات بزرگ ایران را می بیند و در انتخاباتش تمرکز تبلیغاتی خود را بر وطن پرستی می گذارد،

جنگ فرهنگی سازمان جاسوسی "سیا" رژیم های ناخواسته را در سراسر جهان سرنگون می کند

توسط لیویا لوكا از خبرگزاری پراودا، دوم
فوریه ۲۰۱۶

سازمان سیا به منظور بر صحنه آوردن کودتا و هدایت و انجام فعالیتهای خرابکارانه در کشورهای دیگر از نویسندگان، فیلم سازان، روزنامه نگاران و دیگر فعالین فرهنگی استفاده می کند. این توسط نویسنده ای به نام رائل کاپوتا، یک جاسوس دوطرفه کوبائی



اظهار شده است. به احتمال زیاد برای مدت مدیدی سازمان سیا از این تکنولوژی در روسیه نیز استفاده کرده است. رائل کاپوتی در یک مصاحبه با روزنامه برزیلی، پرتال اس یو ال ۲۱ اظهار داشت: «سازمان سیا دارای کنترل واقعی و بی خدشه بر رسانه های جمعی و ابتکارات فرهنگی در آمریکا و سراسر جهان می

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غُرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org